

نقد خیال

● نقد خیال (نقد ادبی در سبک هندی)

● محمود فتوحی

● دکتر پیام‌آور پانگری

● نشر روزگار، تهران، ۱۳۷۹

شماره پانزدهم
تابستان ۱۳۸۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هوای دامن صحراست، لیلی را مگر در سر

که دل در سینه می‌لرزد چو برگ بید، مجنون را

«صائب»

در ذهن و ضمیر بنده، سبک هندی به موسیقی رازناک، تاریک روشن و جازی غار علیصدر همدان می‌ماند که هنوز گوشه‌های شگفت و کشف ناشده بسیار دارد. بازدید این همه خیال‌آفرینی و نکته‌یابی که همراه با فرونشستن غبار تکسواران سبک عراقی، قد برافراشته است، علاوه بر حفظ روحی و ذوقی، پرتوی فراگیر بر آفاق مه‌گرفته سه سده از تاریخ و فرهنگ ایران زمین می‌افکند و نقد آن فضا و «نقدشناسی» آن، از ضروریات پژوهش‌های جدی ادبی است و شگفتا که «یاران در این معامله، تقصیر می‌کنند».

پیش از این، استاد دکتر شفیع کدکنی، در کتاب ارجمند شاعری در هجوم منتقدان چشم‌اندازی وسیع از نقد ادبی در سبک هندی را در حوزه شعر حزین لاهیجی به مشتاقان نشان داد که «بر روی هم، این کتاب، علاوه بر معرفی شاعر برجسته‌ای که آخرین شعله پرفروغ یک جریان و سبک شعری در تاریخ فرهنگ ماست، شامل بعضی مطالب درباره تاریخ نقد ادبی در زبان فارسی نیز هست.» *کتاب

شاعر آینه‌ها اثر ایشان و بیدل، سهراب و سبک هندی اثر دکتر حسن حبیبی نیز بسیار حائز اهمیت‌اند.

دکتر محمود فتوحی نیز به تازگی، کتابی گرانقدر و خواندنی با عنوان نقد خیال به دوستان ادبیات و نقد ادبی تقدیم کرده است که در این مقاله نظری بدان می‌افکنیم. نویسنده محترم در آغاز کتاب، اشاره دارد که: «هدف کتاب حاضر آن است تا تصویری از نقد ادبی، دیدگاه‌ها، نظریه‌ها و اندیشه‌های رایج در جامعه ادبی فارسی‌زبانان در فاصله سالهای ۹۰۰ تا ۱۲۰۰ ه. ق ارائه دهد. گرچه در سالهای اخیر کتابهای متعددی در باب نقد و نظریه ادبیات، تألیف و ترجمه شده، اما هنوز مسئله نقد و نظریه ادبی در ایران و به خصوص در عصر صفوی و دوره‌های پس از آن، چندان مورد توجه قرار نگرفته است. امید که این کتاب بتواند روزنه‌ای به سوی آشنایی با مبانی نظری ادبیات سبک هندی و جریانهای انتقادی در سده‌های ۱۰ تا ۱۳ بگشاید.» (ص ۳)

این کتاب، رساله دوره دکتری نویسنده با راهنمایی جاودان‌یاد دکتر عبدالحسین زرین کوب و مشاوره دکتر شفیع کدکنی و دکتر حق شناس است. ژرف‌کاوها و دقت‌های نویسنده در سایه برکت خیز اشرف و هدایت این سه بزرگوار، دستاوردی خواندنی به ارمغان



آورده است.

کتاب شامل یک پیشگفتار و شش فصل است.

در پیشگفتار، نویسنده با ذکر مقدماتی در حیطة نقد نظری و عملی، نسبت نقد ادبی با آفرینش ادبی و سیر تکامل نقد را به بحث گذاشته و گوشزد کرده است که در تاریخ ادبیات فارسی، نقد به معنای متأخر آن، چندان رواجی نداشته، اما از نوع نقد ذوقی و شهودی، نمونه‌ها و شواهد بسیار در متون ادبی فارسی موجود است و پژوهش در ماهیت، اصول، روشها و سیر تاریخی نقد را که باید «نقدشناسی» (Critology) نامید، مهم و ضروری دانسته و غفلت از متون انتقادی گذشته را «در حقیقت و انهادن سرمایه‌ای کلان» قلمداد کرده «که می‌توان با تکیه بر آن، به شناخت دقیق و تفسیری درست‌تر و نزدیک‌تر به قصد مؤلف و ذوق عصر او دریافت.» (ص ۱۵)

فصل اول کتاب با عنوان ذوق و اندیشه جامعه ادبی، به این موضوعات پرداخته است: تأویل‌گرایی در معنی، شعر اندیشی و دشوارگویی، معماگویی و خلأ اسطوره، و جامعه ادبی. این فصل کاوشی است که عوامل تکوینی و ایجاد سبک هندی را به «روش تکوینی» جست‌وجو کرده و با طرح بحثی نظری و جامعه‌شناختی درباره نوع ذوق و اندیشه ادبی حاکم بر این عصر، کوشیده تا مقدمات آشنایی خواننده را با زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی ادبیات سبک هندی فراهم کند. اما دلکش‌ترین و بدیع‌ترین فقره فصل نخست، بحث «جامعه ادبی» است. نخست درباره چند و چون پیوند جامعه‌شناسی و ادبیات، بحثی مستوفی کرده و با روش «مطالعه جامعه ادبی» و با استفاده از اسناد تاریخی - ادبی و یافته‌هایی درباره گروههای ادبی، شخصیت و طبقه اجتماعی شاعران، رفتارهای فرهنگی و اخلاقی و دانش ایشان، تصویری ملموس و گویا از جامعه ادبی این عصر ارائه کرده است. حتی تخلصهایی که شاعران برای خویش برگزیده‌اند، در زیر ذره‌بین پژوهشگر قرار گرفته و نتایج مهمی به دست داده است.

فصل دوم کتاب با عنوان مسائل عمده نقد ادبی، شامل این مباحث است: تعریف شعر، دین و شعر، انتخاب شعر، نقد اصلاحی، سرقت توارد و ابتذال، لفظ و معنی، قومیت و نژاد در مباحث ادبی، طرز و سبک، نظریه ادبی در شعر، و مضمون‌سازی با اصطلاحات ادبی.

این فصل با تمرکز بر «نظریه ادبی»، به دسته‌بندی آراء و اندیشه‌های گونه‌گون و گاه متناقض درباره شعر و شاعری پرداخته و دریچه‌ای به اندیشه منتقدان این سه مده گشوده است.

در فصل سوم با هدف نشان دادن رابطه بلاغت و نقد ادبی، هفت کتاب عمده بلاغی این دوره، معرفی و ارزیابی شده و نوآوریهای آنها نشان داده شده است.

این هفت کتاب عبارت‌اند از: بدایع الافکار، تحفة الهمد، دستورالشعرا، جامع الصنائع، سبحة المرجان و غزلان الهمد، و فیه فی علم العروض و القافیه، خلاصة البدیع. (غزلان الهمد، ترجمه فارسی فصلهای سوم و چهارم کتاب سبحة المرجان است که خود

آزاد بلگرامی ترتیب داده است). فصل چهارم با کاوش در ۱۵ تذکره شاعران این دوره، نقد و نظرهای پراکنده در هریک را دسته‌بندی و منظم کرده تا مآلاً پسندها و ناپسندهای ذوقی روزگار را نشان دهد. نکته مهم این فصل، آن است که تذکره‌های این دوره، از مرزهای سنتی و کلیشه‌ای قدیم فاصله گرفته و تیغ نقد به دست، عرصه ادبیات معاصر را درنوردیده است. این تذکره‌ها عبارت‌اند از: تحفة سامی، مذكر احباب، تذکره الشعراء، آتشکده آذر، کلمات الشعراء، مرآت الخیال، همیشه بهار، سفینه خوشگو، تذکره حسینی، سرو آزاد، مقالات الشعراء، مردم دیده، و خزانه عامره.

فصل پنجم، فرصتی مناسب را فراهم می‌کند تا خواننده با پنج تن از منتقدان برجسته عصر یعنی منیر لاهوری، شیدا فتحپوری، حزین لاهیجی، خان آرزو و آزاد بلگرامی، آشنا شود و زندگی، آثار، شیوه‌های نقد و ذوق آنان را به تماشا و تفکر بنشیند.

آخرین فصل کتاب نیز، سیاه‌ای است از حدود ۸۰۰ اصطلاح و واژگان نقد ادبی که از خلال متون سبک هندی آنها را یافته و با در نظر گرفتن دو فایده، آنها را مطرح کرده است: ۱. این اصطلاحات، کلید آشنایی با نقد ادبی در سبک هندی است؛ ۲. شاید پاره‌ای از آنها به کار نقد امروز بیاید. فرجام کتاب نیز فهرستهای موضوعی، اعلام، کتابها، جایها و منابع و مراجع پژوهشگر است.

به نظر می‌رسد که پژوهش حاضر، روشمند و با داده‌هایی مستدل، روشن و عاری از پیچیدگی و کلی‌گویی و تردید است. تشابهات فراوانی بین آراء منتقدان دوران سبک هندی و نظریه‌های انتقادی امروز دیده و بدون این که در پی مقایسه آنها باشد، یادآوری کرده است که درک بسیاری از مبانی نظری در علوم انسانی، شهودی است، به ویژه در قلمرو ادراک زیبایی، و ممکن است چند نفر در

زمانها و مکانهای مختلف به دیدگاههای مشابهی درباره درک زیبایی و هنر رسیده باشند.

نثر کتاب نیز پاکیزه و فصیح است. نویسنده، به خوبی به هدف خود که همانا نشان دادن جریان نقد ادبی در سبک هندی است، رسیده و با شواهد مستدل و مشخص و کافی، ادعاهای خود را ثابت کرده است.

مؤلف کوشیده است تا به پرسشهای مقدر خوانندگان، پیشاپیش پاسخ دهد، هرچند راه را برای پژوهشهای دیگر هموار و باز گذاشته است. نوشته تا حد زیادی برپای خویش ایستاده و از مزرع خویش، خوشه برچیده و بدین خاطر، حرف و حدیث تازه در آن فراوان است.

مراجع و صنایع کتاب نیز، مهم، دست اول و لازم و مناسب برای چنین پژوهشی هستند. وسعت و تنوع آنها ستودنی است (۱۳۶ مرجع فارسی و عربی، ۱۴ نسخه خطی و ۱۴ کتاب به زبان انگلیسی). لحن انتقادی نویسنده، کاملاً علمی و بی طرفانه است و در عین این که ایشان دارای ذوق شعری است و لطائف و طرائف موجود در سبک هندی را به خوبی دیده و شناخته، اما در مقام داوری و نقد و نظر، جانب اعتدال را رها نکرده است. علاوه بر سودمند بودن مطالب کتاب، روش کار آن نیز برای پژوهشگران جوان تر، آموزنده و الگو است. اطلاعات حاصل از این کتاب، بیش از این، با این وسعت و نظم و نسق، ارائه نشده است.

نام کتاب نیز، زیبا و گویا و مناسب است - نقد خیال - چرا که در بین عناصر متشکله شعر سبک هندی، عنصر خیال، حضوری پررنگ تر و جدی تر از دیگر عناصر دارد. نقد خیال، براساس تداعی معانی، می تواند «نقد حال» را نیز به ذهن متبادر کند.

کبودی رنگ جلد نیز با گندمگونی چهره سبک هندی سازگار است و در چهره ای باز که چراغی قدیمی با پرتوی سنتی، نوری به فراسوی چارچوب آن می باشد، حکایت تلاش نویسنده برای روشنگری و تلاش منتقدان عصر سبک هندی است.

اما توقع این که کاری پژوهشی، سراسر بی نقص باشد، چندان منطقی و درست نیست. پس ذکر چند نکته را از باب ارادت و یادآوری به نویسنده، بر خود فرض می دانم.

۱. کتابی بدین تازگی و برابری، بهتر بود در شکل و شمایل بهیتر و شایسته تر و نظام معرفی و بخشی کارآمدتر عرضه می شد. در آشفته بازار چاپ و نشر، فراوان کتابهایی دیده ایم که بدون محتوایی چشمگیر، با ظاهری رنگ کرده، دلربایی کرده اند و فروشی نابحق داشته اند. کتاب نقد خیال باید زیباتر ارائه شود، چرا که مستحق آن است.

۲. برخی اشکالات چاپی نیز در آن دیده می شود که خوب است در چاپهای بعدی اصلاح شود.

۳. اگر در پایان فصلها یا در فرجام کتاب، مقایسه هایی آماری همراه با جدول، نمودار و ابزارهای بصری دیگر ارائه شود تا خواننده

ملموس تر و بهتر بتواند اندیشه ها را با هم مقایسه کند و سیر تحول و تطور آن را دریابد، اطلاع رسانی کتاب، کامل تر خواهد شد.

۴. رساله های دانشگاهی، چارچوب و الزامات تعریف شده و مشخصی دارند، اما وقتی قرار است برای مخاطبان خاص و عام منتشر شوند، ضروری است که الزامات این عرصه وسیع مخاطبان در نظر گرفته شود. برای مثال، بسیاری از توضیحات، شواهد و تقسیم بندیها را می توان به حاشیه یا یادداشتهای آخر فصل، منتقل کرد و در همه حال باید حوصله خواننده را در نظر گرفت. این گونه کتابها باید علاوه بر خوانندگان خاص و فرهیخته، خوانندگان عام و دانشجویان جوان را نیز در نظر داشته باشند.

۵. برخی از اصطلاحات و یا واژگانی که در فصل ششم، فهرست شده اند، ظاهراً با دو اشکال مواجهند: نخست این که خاص دوره سبک هندی نیستند و سابقه و لاحقه ای قابل اعتنا دارند و دیگر این که نمی توان به تمام آنها اطلاق اصطلاح نقد ادبی کرد چرا که صیغه عمومیت آنها بیشتر است. مواردی مانند آنچه در پی می آید، بیشتر اشکال نخست را به همراه دارند: ابداع، بیت بی مزه، تازگی، توارده، جزالت الفاظ، شاعر پرکار، مضمون مبتدل و...

۶. به نظر می رسد که تمرکز نویسنده محترم تنها بر شعراست و نثر این دوره و نقد آن، در حوزه کاری ایشان قرار نگرفته است. پر واضح است که انواع نثر دوران سبک هندی از جمله نثر صوفیانه و عارفانه (مانند خلاصه المعارف، نفاس الانفاس، بدایع الدهور و...)، قصه ها و داستانها (مانند بهجت افزا، کارستان، گلشن خیالات و...) و نثر حکایتی (مانند زینة المجالس، محبوب القلوب و...) جای بررسی سبک شناسانه و منتقدانه دارند. هرچند تأکید نویسنده گرامی بر تذکره هاست، اما چون عنوان فرعی کتاب «نقد ادبی در سبک هندی» است، خوب بود به این پرسش مقدر نیز پاسخ می دادند که آیا اصولاً نثر این دوره نیز در حیطه نقد ناقدان آن قرار گرفته و یا غلبه تام و تمام با نقد شعر است؟ اگر چنین باشد، آیا بهتر نیست که عنوان فرعی کتاب «نقد شعر سبک هندی» باشد؟

۷. نکته آخر این که رسم الخط متن کتاب و نقل قولها یکی است و نمی توان مرز بین آنها را تشخیص داد. بهتر است رسم الخط متون قدیمی به شکل اصلی آنها حفظ شود و نوع قلمی که به آنها اختصاص داده می شود، اندکی از متن اصلی کتاب، متمایز باشد.

در پایان، با ذکر این مطلب که این نکات پیشنهادی به هیچ وجه از ارزش و اهمیت و اعتبار کتاب گرانقدر نقد خیال نمی کاهد، شایان گفتن است که این پژوهش تازه برای تمام استادان، دانشجویان و پژوهشگران عرصه های ادبی بسیار مغتنم و سودمند است و برای نویسنده کوشا و جوانبخت آن نیز، آرزوی بهروزی و کامروایی روزافزون دارم.

* شاعری در هجوم منتقدان، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگاه، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۹.